

## چکیده

## تصحیح یا تزییح؟

محمود نظری\*

گنجینه بهارستان عنوان مجموعه‌ای است از رسائل کوتاه خطی در موضوعات متعدد، که از سوی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، انتشار می‌یابد. تاکنون، پنج مجلد از این مجموعه در موضوعات حکمت، ادبیات فارسی، علوم قرآنی و روایی، فقه و اصول و ادبیات عرب چاپ و نشر شده است. گفتار حاضر، نقدی است بر یکی از رساله‌های گنجینه بهارستان (ادبیات عرب) به نام نظم اللآلی در صرف، سروده قطب الدین نیریزی، که به تصحیح محمد باهر در مجموعه یاد شده، چاپ گردیده. کلیت نقد، مشتمل بر سه بخش است. نویسنده نقد در بخش نخست، افتادگیها و سقطاتی را بر شمرده، که مصحح رساله مذکور در نقل حواشی رساله به باورقیها، آنها را ذکر نکرده و دقت لازم در نقل حواشی، مبذول نداشته است.

بخش دیگر نقد، تذکر بدخوانیها و غلط خوانیهای مصحح در تصحیح رساله است و بخش پایان، ذکر آیاتی است که ناظم رساله، آنها را عیناً در ابیات منظومه آورده و یا به صورت حل در ابیات درج کرده و مصحح به آنها توجه ننموده است.

قال رسول الله (ص): إذا عمل أحدكم عملاً فليتنن.

مجموعه گنجینه بهارستان که تاکنون چند مجلد آن به همت کتابخانه مجلس شورای اسلامی به زیور طبع آراسته گردید، تلاشی است ارزشمند در مسیر احیای

\*. کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی.

دست‌نوشته‌های خطی کم حجم موجود در این کتابخانه وزین و غنی از میراث مکتوب پیشینیان.

مجلد چهارم این مجموعه و دفتر اول آن با عنوان الادب العربی شامل ۱۲ رساله به کوشش آقای محمد باهر در سال گذشته منتشر شد.

به یاد آوریم سخن مرحوم استاد جلال‌الدین همایی که می‌فرماید: کار تصحیح نسخه‌های خطی مانند اکثر امور فرهنگی دستخوش مداخلات ناهلان گردیده و گاهی که محصول بی‌فایده ایشان به بازار می‌آید، مایه فضیحت و خجالت و شرمساری است. مرحوم علامه محمد قزوینی مکرراً می‌فرمود: نسخ خطی همچنان مخطوط باقی بماند، هزار بار بهتر از آن است که مغلوط چاپ شود، زیرا که این عمل در واقع خیانتی است که به فرهنگ کشور می‌شود و حقی بزرگ از علوم و معارف بشری را تضحیح می‌کند؛ چه قدر مسلم زیانش این است که دیگر کسی به این زودی‌ها در فکر تصحیح آن کتاب نمی‌افتد و پس از چندی که بر این حال گذشت و اغلاط در اذهان رسوخ یافت و سیم دغل به جای زر ناب رایج شد، بلای استدراکش اضعاف زحمتی است که باید در تصحیح خود کتاب کوشید: (مختاری نامه، صص ۷۵-۷۴).

آری باید گفت بسیاری از نسخه‌های خطی که به اصطلاح تصحیح و تحقیق شده و منتشر گردیده‌اند، اما به علت عدم رعایت ضوابط و شرایط فن تصحیح و یا اهلیت نداشتن مصحح آن تضحیح شده و نیاز مجدد به صرف وقت و هزینه جهت احیا و تصحیح دارند.

به هر روی نگارنده این سطور، ضمن توریق اجمالی الادب العربی گنجینه بهارستان، با اشکالات و ایرادات بیشماری روبرو شد که در اینجا با بررسی دقیق‌تر رساله نظم اللآلی ششمین رساله مندرج مجموعه اثر قطب‌الدین نیری و به تصحیح آقای محمدباهر به برخی از معایب و ایرادات وارده بر آن اشاره کرده و بررسی و نقد سایر رسائل آن را به وقتی دیگر موکول می‌سازیم.

البته مصحح محترم برای تصحیح این رساله زحماتی نیز متحمل شده که قابل تقدیر است.

بالتبع نقد متون و یادآوری معایب و اشکالات راه یافته بدان، جهت ارتقای سطح دقت و تلاش افزون‌تر محققان و مصححان و دست‌اندرکاران نشر، برای ارائه هر چه بهتر و بی‌ایرادتر این آثار و جلوگیری از دوباره کاریها و اتلاف وقت و هزینه، کاری بجا و

شایسته است و به قول سعدی علیه الرحمة: متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد. (گلستان، باب هشتم)

\*\*\*

### نظم اللالی

باید متذکر شد آنچه که بیش از همه از ارزش و اعتبار تصحیح و کار مصحح می‌کاهد و اطمینان خواننده را از کتاب مصحح سلب می‌کند، وجود اغلاط فاحش، افتادگی‌ها، بدخوانی‌ها و غلط خوانی‌های مصحح است که با کمال تأسف در متن این رساله فراوان مشاهده می‌شود.

تصحیح متون، برخلاف پندار برخی که آن را سهل و آسان می‌انگارند، بسی شک تلاش و زحمت و حوصله و دقت فراوانی را نیاز دارد؛ چرا که هدف و غایت از تصحیح آن است که از روی نسخ خطی موجود و نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر را مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی عرضه دارند که خواننده اهل تحقیق بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای از آن را دارد که به نسخه اصلی مصنف یا مؤلف به نهایت درجه نزدیک است.

حال اگر قرار باشد متن تصحیح و منتشر شده خود دارای افتادگی و سقط و بدخوانی و غلط خوانی و همراه با اشکالات و ایرادات باشد، پس همان به که به قول علامه قزوینی (ره) به همان شکل مخطوط باقی بماند.

۱. افتادگی‌ها و سقطه‌هایی که در رساله مذکور و در پاورقی‌ها رخ داده که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود به شرح ذیل است:  
ص ۲۵۳، پاورقی ۳، در آیه شریفه بعد از کلمه «صرفنا»، کلمه «للناس» افتاده است.  
ص ۲۵۹، در پاورقی شماره ۲، سطر ۴، بعد از کلمه «منقلب» کلمه «فیه» ساقط شده است.

ص ۲۶۲، پاورقی شماره ۱، سطر آخر، ادامه مطلب یعنی «یقتل قتالا بفتح القاف و کسرها و کذلک و...» نیامده است.

ص ۲۶۴، پاورقی ۲، سطر ۱، بعد از کلمه «مطواع»، کلمه «للمتعدی» ساقط شده است.

ص ۲۶۶، پاورقی شماره ۲، سطر ۴، بعد از «الثوب»، عبارت «بخلاف ضاربتة» ساقط شده است.

ص ۲۷۰، پاورقی ۳، سطر ۳، بعد از «التفيعل»، کلمات «و التفعول» افتاده است.

ص ۲۸۰، پاورقی ۳، آیه شریفه، بعد از «لا یسمعون»، کلمه «فیها» افتاده است.

ص ۲۸۴، پاورقی ۶، بعد از «الحق» کلمه «بالفعل» افتاده است.

ص ۲۸۵، پاورقی ۶، سطر ۲، بعد از کلمه «الساکنین» عبارت «علی غیر حده لان حد جواز...» ساقط شده است.

ص ۲۹۹، پاورقی ۲، بعد از «من الماضي»، کلمه «فی» افتاده است.

ص ۳۰۴، پاورقی ۲، آیه شریفه، بعد از «عهد الله»، عبارت «من بعد میثاقه» ساقط شده است.

ص ۳۱۱، پاورقی ۵، سطر ۱، بعد از «لو اذا» کلمه ای افتاده است.

ص ۳۱۲، پاورقی ۳، سطر ۱، بعد از کلمه «من»، عبارت «الثلاثی المجرود و الماضي المجهول من» ساقط شده است.

ص ۳۱۸، پاورقی ۳، بعد از «أیضاً»، کلمات «ثوب مصوون» افتاده است.

ص ۳۲۲، پاورقی ۱، آیه شریفه، بعد از «شیء»، کلمه «خلقه» ساقط شده است.

ص ۳۲۴، پاورقی ۳، سطر ۴، بعد از «تثنیة»، کلمه «غائبة» افتاده است.

ص ۳۲۶، پاورقی ۷، سطر ۱، بعد از «کما فی»، کلمه «معلوم» افتاده است.

ص ۳۲۸، پاورقی ۲، آیه شریفه، بعد از «رحمة»، کلمه «متأ» افتاده است.

ص ۳۳۵، پاورقی ۸، آیه شریفه، بعد از «الذین»، کلمه «هم» ساقط شده.

ص ۳۳۶، پاورقی ۲، سطر ۱، بعد از «و الیاء»، عبارت «فی المضارع لمصاحبة یاء» افتاده است.

ص ۳۴۰، پاورقی ۳، آیه شریفه، بعد از «تجارة»، کلمات «ولا» افتاده است.

ص ۳۴۸، پاورقی ۱، آیه شریفه که بعد از کلمه «علیه»، کلمه «الله» ساقط شده است

و....

۲. اما بدخوانی ها و غلط خوانی هایی که در متن و در پاورقی ها مشاهده می شود:

ص ۲۶۰، پاورقی ۱، عبارت «فکل هذه تلحق الرباعی المجرود» که در اصل «بالرباعی» است.

ص ۲۶۲، بیت آخر،

ان كان فاء الافتعال صاداً اوطاءً اوضاءً كذا اوضاداً

که «ضاء» غلط و در اصل «طاء» صحیح است.

ص ۲۶۲، ادامه پاورقی ۲، سطر ۶، آیه شریفه «اذا كنتم جنبا» که «وان كنتم» صحیح

است.

ص ۲۶۳، بیت ۲، «واصطحب و اصطير» که در اصل «واصطبر» و صحیح می باشد.

ص ۲۶۴، بیت ۵، «او عرضا كطهر او قدرا» که در اصل «قدرا» است که صحیح

می باشد.

ص ۲۶۵، بیت ۴، «و فعل بالكسر للتبيان» که در اصل «فی التبيان» صحیح است.

ص ۲۶۵، پاورقی ۱، سطر ۱، «مما جبلت عليه الانسان» که در اصل «جبل» است و

در همان سطر ۲، «بان تلك الطبيعة وصلة لصاحبها» که در اصل «حاصلة» است و نه

«وصلة».

ص ۲۶۵، پاورقی ۳، سطر ۱، «مما يخيّل الى ناظره فيه» که در اصل «الناظر» است.

ص ۲۶۶، بیت:

و جاء غيرها فقل تهجدا تحلّم، تفهّم «توسّلا»

که در اصل «توسّدا» است.

ص ۲۶۶، بیت: «تأثّم، تخرّج، تجرّعا» که در اصل «تخرّج» است.

ص ۲۶۶، پاورقی ۳، سطر ۲ و سطر ۳، «نازعه الحديث فنازعنا» که در اصل «نازعته

الحديث فتنازعنا» می باشد و همچنین «ضاربه» که در اصل «ضاربته» است.

ص ۲۷۱، بیت: «قل فيهما قد كتب الاحبار» که در اصل «الاحيار» می باشد.

ص ۲۷۳، بیت: «و اصرّ وجه الخائفين السعداء» که در اصل «الخاصعين» می باشد.

ص ۲۷۵، بیت:

عينيّ قد شهدتما اهل الهدى عرفتماهم فاحذروا اهل الردى

که در اصل «فاحذرا» می باشد.

ص ۲۷۹، بیت: «و يدخل النواصب فتلك ان» که در اصل «و تلك» است.

ص ۲۸۱، بیت:

ان تشكر الله لدى النعماء يرزقكم الله لدى البأساء

که در اصل «تشكروا» است مانند بیت بعدی آن که «ان تنصروا الله» آمده است.

ص ۲۸۱، بیت: «وأت بلفظ» که در اصل «بلفظ» است.  
 ص ۲۸۳، بیت: «و محصوا و بارعوا فی الفهم» که در اصل «سارعوا» می باشد.  
 ص ۲۸۳، بیت: «تمسکی بالسلم او تعالی» که در اصل «بالعلم» است.  
 ص ۲۸۴، پاورقی ۶، «یعنی الحق بغير الحال» که در اصل «یعنی الحق بالفعل غیر الحال» می باشد. و در همان، «و الاخری» که در اصل «اخریها» می باشد.  
 ص ۲۸۵، ادامه پاورقی ۶، سطر ۵، «اطلبان و لاتباعدان» که در اصل «اطلبان» می باشد.

ص ۲۸۶، پاورقی ۲، «اسم الفاعل ما اشتق من فعل لمن قام به معنی الحدوث» که در اصل «بمعنی» می باشد و در همان، سطر ۸، «بکسر العین» که در اصل «بضم العین» می باشد.

ص ۲۸۷، بیت: «و المتعدی بحرف الجر» که در اصل «بحروف» می باشد.  
 ص ۲۸۸، بیت: «وجوههم ناضرة و ناعمة»، در اصل «ناظرة» می باشد.  
 ص ۲۹۰، پاورقی ۳، سطر ۳، و «لو قصد عنها معنی الحدوث» که در اصل «و لو قصد بها» است، و در سطر بعدی «زید قارع» که در اصل «زید قارح» است و در همان پاورقی شماره ۳، سطر ۸ «ثقیل و سماعی» که در اصل «قلیل و سماعی» است.  
 ص ۲۹۲، پاورقی ۲، سطر ۲، «لیمکن بناء مرتین الصیغتين منه» که در اصل «لیمکن بناء هاتین الصیغتين منه» است.

ص ۲۹۷، بیت:

و جاء فی دهدته: دهیته و جارٌ فی صهته: صهیته  
 در اصل «دهدیته» و «صهصیته» آمده است.

ص ۲۹۸، بیت: «و ادرج العلم اذا فی اللام» که در اصل «و ادرج العین» است.  
 ص ۳۰۰، پاورقی ۱، «کما کانت» که در اصل «کما کنت» است.  
 ص ۳۰۳، بیت:

لو کنت فظاً و غلیظ القلب لانفضّ من حولک اهل البیت  
 که در اصل  
 ولو کنت فظاً و غلیظ القلب لانفضّ من حولک اهل اللبّ  
 می باشد.

ص ۳۰۷، بیت: «و جهت وجهی واثقاً بالبادی» که در اصل «بالباری» می باشد.

ص ۳۱۳، بیت: «حوکت علی قولین اذ تحاک» که در اصل «نولین» می باشد.  
 ص ۳۱۵، بیت: «من بعد ما قلبت او اسكنت فی» که در اصل «من بعد ان» می باشد.  
 ص ۳۱۷، پاورقی ۲، سطر ۳، «ذلک المتصل» که در اصل «ذلک الفعل» است.  
 ص ۳۱۸، بیت:

بنو تمیم یسبثون الیاء      قل یشتری العیوب من قد شاء  
 که بجای «العیوب» در اصل «المعیوب» آمده است.  
 ص ۳۱۸، پاورقی ۲، سطر ۷، «سوی تزییع اعمار طلاب العلوم منازعتهم» که در  
 اصل «کمنازعتهم» می باشد.  
 ص ۳۱۹:

نحو صدیقی لم یقل و لم اقل      و لم تقل لغوا فانت لاتقل  
 که بجای «و لم تقل» در اصل «و لم نقل» می باشد.  
 ص ۳۲۱، بیت: «قل انما داوی واشفی نفسه» که بجای «انما» در اصل «ان من» است.  
 ص ۳۲۲، بیت:

«وانه اسنی و اعلی شأننا      اقوی و احلی فی الهدی بر هانا»  
 بجای «احلی» در اصل «اجلا» آمده است.  
 ص ۳۲۳، بیت: «لایتلاقی العفو فی البیان» که در اصل «لایتلاقی اللغو» آمده است.  
 ص ۳۲۴، پاورقی ۳، سطر ۴، «و انما صار کلها حکم الصحیح» که در اصل بجای  
 «کلها»، «حکمها» آمده است.  
 ص ۳۲۵، پاورقی ۵، آیه شریفه «ارضیتم بالحیة الدنیا فی الآخرة» که صحیح آن  
 «من الآخرة» است.  
 ص ۳۲۶، بیت:

نحو رضا العاقل بالعقول      و قد هدا بالعلم فی المجهول  
 در اصل بجای «العاقل» کلمه «العالم» آمده است.  
 ص ۳۳۲، بیت: «ما عمیت عن عینها عیونهم» که در اصل «عیوبهم» است.  
 ص ۳۳۴، بیت: «یخشون ربهم و لاینونته» که در اصل «ینسونه» است.  
 ص ۳۳۵، پاورقی ۸، آیه شریفه «الذین فی غمرتهم ساهون» که «الذین هم فی غمرة  
 ساهون» صحیح می باشد.  
 ص ۳۳۹، بیت:

نحو رضا العاقل بالعقول و قد هذا بالعلم فى المجهول  
 در اصل بجای «العاقل» کلمه «العالم» آمده است.  
 ص ۳۳۹، پاورقی ۵، آیه شریفه، «كان عنهم مسئولاً» که «كان عنه مسئولاً» صحیح  
 است.

ص ۳۴۲، بیت:

ان تتمنون فى المكارم ان تتعالون بالمكارم  
 «فى المكارم» در اصل «فى الاكارم» می باشد.

ص ۳۴۳، بیت: «و مثل تلك الدرّ و الثمینة» در اصل «الدرر الثمینة» است.

ص ۳۴۴، بیت: «لان لامه بالاعتدال» در اصل «بالاعتلال» می باشد.

ص ۳۴۵، بیت:

وصیغ الماضى كما قدّر فى امثلة الناقص و المضاعف

«قدّر فى» در اصل «قدمّ فى» می باشد و موارد دیگری که در اینجا از اطاله آن  
 خودداری می کنیم. قابل ذکر است که اشکالات فوق در هنگام مقابله با نسخه اصل و  
 مورد استفاده مصحح مشخص شد.

۳. اعراب گذاری در حدی که خواننده دچار اشتباه و غلط خوانی نشود ضروری  
 است، ولی افراط در این کار در مورد کلماتی که به راحتی خوانده می شوند و خواننده به  
 خطا نمی افتد و یا تقریظ در اعراب گذاری در مواردی که لازم است رعایت شود، نزد  
 اهل فن پسندیده و شایسته نیست که متأسفانه در این رساله این افراط و تقریظ مشاهده  
 می شود و خوانندگان محترم خود می توانند ملاحظه نمایند.

۴. احیانا در این رساله اشتباهات و اغلاطی نیز در اعراب گذاری وجود دارد:

ص ۲۵۵، بیت ۵، «تعال» که صحیح آن «تعال» است.

ص ۲۵۵، بیت ۱۳، «شهاباً» که صحیح آن «شهاباً» است و نیز پاورقی ۳ در همین  
 صفحه در آیه شریفه که «بشهاب» صحیح می باشد.

ص ۲۶۲، بیت ۱۰، آیه شریفه «و هم یخصّمونا» غلط و «یخصّمونا» صحیح است.

ص ۲۶۲، پاورقی ۲، سطر ۴، آیه شریفه، «انفروا» غلط و «انفروا» صحیح است.

ص ۲۷۱، پاورقی ۳، آیه شریفه، «المفتون» غلط و «الفتون» صحیح است.



ص ۲۷۳، بیت ۱، «الالفات» غلط و «الالفات» صحیح است.  
 ص ۲۷۶، بیت ۱۱، «تَقُول» غلط و «تَقُول» صحیح است.  
 ص ۲۷۹، بیت ۴، «النساء» غلط و «النساء» صحیح است.  
 ص ۲۷۹، بیت ۷، «لا يعرف الرحمن» غلط و «الرحمن» صحیح می باشد.  
 ص ۲۷۹، بیت ۱۳، «اذن نقتبس» غلط و «نقتبس» صحیح می باشد.  
 ص ۲۸۲، بیت ۸، «تَقُول» غلط و «تَقُول» صحیح است، و موارد دیگری از این قبیل اشتباهات.

۵. ناظم نظم الالائی در اشعار خود، فراوان از آیات قرآن کریم اقتباس و استفاده کرده و دأب مصحح این رساله نیز بر آن بوده که این گونه موارد را با ذکر آیه و سوره و شماره آیه مربوطه در پاورقی مشخص کند. اما ایشان تنها بخشی از این اقتباسات را متذکر شده و از حدود بیش از پنجاه مورد از این قبیل غفلت ورزیده یا متوجه آنها نشده و لذا در پاورقی های خود ذکری از این موارد به میان نیاورده است!

شکی نیست که قرآن کریم پایه و اساس علوم و ادبیات عرب است و بطور کلی هیچ علمی از علوم اسلامی از آن بی نیاز نیست. طبیعی است مصححی که با آیات شریفه قرآن مأنوس نباشد نمی تواند در کار تصحیح چنین متونی موفق باشد و نخواهد توانست تحقیقی در خور توجه و مناسب و شایسته از این گونه متون ارائه نماید و بهتر است این کار را به اهلش واگذار کند.

به عنوان، نمونه و مثال مواردی از آیات که در این رساله مورد غفلت واقع شده ذکر می شود:

ص ۲۶۶، بیت دوم: غلّقت الابواب قالت هیت لک، آیه ۲۳ سوره یوسف می باشد.  
 ص ۲۷۴، بیت هفتم: نودی ان بورک من فی النار، آیه ۸ سوره نمل است.  
 ص ۲۸۳، بیت هفدهم: و ارتقبهم و اصطبر، که آیه ۲۷ سوره قمر می باشد.  
 ص ۲۸۳، بیت هجدهم: و ما صبرک الا باللّه، که آیه ۱۲۷ سوره نحل است.  
 ص ۲۹۵، بیت ششم: و کل شیء عنده بمقدار، که آیه ۸ سوره رعد است.  
 ص ۳۰۱، بیت ششم: و الآن حصحص الحق، آیه ۵۱ سوره یوسف است.  
 ص ۳۰۳، بیت سوم: و لیملل الذی علیه الحق، آیه ۲۸۲ سوره بقره است.  
 ص ۳۱۴، بیت پنجم: ترید زینة الحیوة الدنیا، آیه ۲۸ سوره کهف است.

ص ۳۱۷، بیت پنجم: قل اننی اختر تک فاستمع لما، اقتباس از آیه ۱۳ سوره طه است.  
ص ۳۳۰، بیت ششم: فوزوا و قولوا ربّ زدنی علماً، بخشی از آیه ۱۱۴ سوره کهف است.

ص ۳۲۳، بیت هشتم: اذ یتلّی المتلّیان، بخشی از آیه ۱۷ سوره ق است.  
ص ۳۲۳، بیت پانزدهم: و یجیبی الیه ثمرات کل شیء، که بخشی از آیه ۵۷ سوره قصص است.

ص ۳۲۵، بیت سوم: فعمیت علیهم الانباء، بخشی از آیه ۶۶ سوره قصص است.  
ص ۳۲۵، بیت دوازدهم: اذ قضی الامر و هم فی غفلة، بخشی از آیه ۳۹ سوره مریم است.

ص ۳۳۱، بیت چهارم: واللّه یصطفی من الملائکة، بخشی از آیه ۷۵ سوره حج می‌باشد و موارد بسیار دیگری که ذکر آنها در اینجا به طول می‌انجامد.

۶. مصحح محترم در مقدمه‌ای که بر این رساله نوشته راجع به اینکه از این اثر نسخه یا نسخه‌های دیگری وجود دارد یا خیر و یا اصلاً جهت کسب اطلاع و دستیابی بر سایر نسخه‌های احتمالی تلاشی انجام داده است یا نه سخنی به میان نیاورده است. اینکه تنها به نسخه موجود در کتابخانه مجلس اکتفا شده، مقبول اهل فن نیست. نظم اللالی و یا تکمله آن بر حسب آنچه که در الذریعه و فهرست خانبا باشار آمده قبلاً چاپ سنگی شده که ضروری بود مصحح حتماً در مقدمه بدان اشاره می‌نمود.

۷. شایسته آن بود که مصحح محترم راجع به قطب الدین نیریزی و زندگی و آثار و افکار وی، اطلاعاتی را به خوانندگان ارائه می‌نمود و به مقدمه دومین رساله این مجموعه یعنی الرؤیا المنظوم که آن نیز بسیار به اختصار شرح حال ناظم را درج کرده، بسنده نمی‌کرد.

امیدواریم که مصححان و محققان نسخ خطی علاوه برداشتن تخصص کافی و احاطه کامل به موضوع، دقت، تیزبینی، حوصله و سایر شرایط لازم در تصحیح متون را دارا باشند تا آثار منتشره ان شاء الله هر چه بی‌عیب‌تر و کامل‌تر در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.